

اشاره

یکی از مهمترین دستاوردهای گرانبهای بشری در سده‌های نوزدهم و بیستم، رهنمون سازی نظام کیفرها و مجازات‌ها به سوی فایده‌مندی فردی و اجتماعی است. در واقع یکی از ویژگی‌های افتخارآمیز بشر متمدن دو سده‌ی اخیر، حذف کیفرهای غیرانسانی، ظالمانه، و نافایده‌مند بوده است. در این نوشتار تلاش شده که همراه با گذاری تاریخی به دیدگاه‌ها و افکار آموزه‌ورانی که در این زمینه کوشیده‌اند، به منظور ایجاد یک رویه نظام‌مند به فایده‌گرایی کیفری و کیفرها، از هنگام تصویب تا مراحل پایانی اجرا، این رهیافت در قالبی ساختارمند تهیه، تدوین و ابراز گردد. رعایت این اصول در وضع و تصویب قوانین کیفری، در توسل به آنان و سرانجام در اجرا، ضمن آنکه قانونگذار، قاضی و مقام‌های اجرایی را به تقیید به اموری ملزم می‌سازد، برای سیاست‌گذاران کیفری این حسن را دارد که با تأملی عمیق‌تر و نگاهی نوگرایانه‌تر، به کیفرها بنگرند و نظام‌های کیفری کنونی را کمتر با انتقادهای وارد شده رویاروی ساخته یا دست کم در کوتاه مدت یا میان مدت بستر را برای دگرگونی‌های فایده‌مند فراهم سازند.

کلید واژگان: فایده‌گرایی کیفری، الغاء گرایی، کیفرشناسی فایده‌گرا، عقلانیت کیفری، چارچوب کیفرشناسی فایده‌گرا.

درآمدی بر

آموزه‌های کیفرشناسی فایده‌گرایانه

محمدرضا گودرزی بروجردی
دانشجوی دکتری علوم جنایی دانشگاه نانس فرانسه
Reza ۲۰۰۱r @ Yahoo.com
لیلا مقدادی / قاضی دادسرای کارکنان دولت
Leyla ۱۰۰۲۰۰۱ @ Yahoo.com

بخش اول

مقدمه

با آنکه برخی نویسندگان این جمله «ایرینگ»^۱ حقوقدان و فیلسوف سده‌ی نوزدهم آلمان را که گفته بود: «تاریخ کیفر در تاریخ لغو مستمر آن خلاصه می‌شود»، مورد تردید قرار داده، و آنرا با این استدلال که «قلمرو حقوق کیفری در پرتو تحولات اقتصادی، سیاسی، فلسفی، علمی، فنی و... با جرم‌انگاری‌های جدید و به برکت شیوه‌های نوین کنترل و مقابله با جرم گسترش یافته است»^۲، رد می‌کنند ولی به نظر می‌رسد که بازهم و پس از گذشت یک قرن و نیم از این سخن ایرینگ، بویژه از نیمه دوم قرن بیستم، از یک سو در پرتو اشاعه و رواج افکار الغاء‌گرایانه‌ی کیفری، و از دیگر سو، نگاه فایده‌گرایانه متفکران، نویسندگان، سیاست‌گذاران جنایی و افکار عمومی ملت‌ها به پدیده‌ی بزه و کیفر، که با دیدگاه‌های الغاء‌گرایانه همسو می‌نماید، محل درنگ،

تأمل و مراجعه باشد. زیرا امروزه «عقلانیت کیفری» حکم می‌کند که کیفرهای نافایده‌مند و بیشمار، نه تنها در مرحله قانونگذاری وضع نگردند، بلکه اگر هم چنین شود، در پرتو اصول عقلانی، قاضی نتواند در مرحله‌ی صدور و اجرا و یا به هنگام تداوم اجرای حکم بدان دست یازد.

در واقع بخش عمده‌ای از فریادها، ایرادها و اعتراض‌های الغاء‌گرایان نظام کیفری و زندان‌ها، مربوط به نافایده‌مندی کیفرهاست و این مهم از تدقیق در برخی هدف‌ها و رسالت‌های عمده‌ای که به شرح زیر برای خود بر می‌شمرند؛ روشن می‌گردد:

۱- زندان نه از حیث اخلاقی و نه از حیث مادی قابل دفاع نیست و به خاطر فاقد توجیه اخلاقی و اقتصادی باید لغو شود.

۲- به باور الغاء‌گرایان، «عدالت‌های نارسمی» «میانجیگری

کیفری»، «کیفرهای اجتماعی جایگزین حبس»، و «روش‌های مباحثه‌ای حل تعارض»، مجازات نبوده و یکی از مناسب‌ترین پاسخ‌ها نسبت به کنش‌ها و رفتارهای مجرمانه است.

۳- الغاء گرای حقیقی با زندانی سروکار خواهد داشت ولی با مؤسسه‌ی زندان یا توسعه‌ی آن هرگز؛

۴- الغاء گرای حقیقی - به جای کمک‌کننده و دست‌یاری سنتی - با زندانی متحد و هم‌رای است؛

۵- الغا گرایان تقویت زندانی - و نه زندان - را امر حیاتی می‌دانند.^۲

۶- الغاء گرایان اعتقاد دارند که بزه بطور عمده محصول ساختار جامعه است.

۷- الغاء گرایان باور دارند که برای تحقق اهدافشان یعنی حذف و الغاء نظام کیفری تعاون اجتماعی و تعامل فردی امکان‌پذیر است.

بدین ترتیب با ملاحظه چنین اهداف و اصولی، می‌توان استنباط نمود که اینان با استدلال‌های - هر چند نامنسجم و پراکنده - خود، ضمن توجه به اهداف مورد نظرشان، با فایده‌مندی اجرای کیفرها و به بیان دیگر با «کیفرشناسی فایده‌گر» همسو، هم‌رای و همدستان‌اند. این مقاله نیز ضمن بررسی اجمالی دیدگاه‌های سنتی، کلاسیک، نوگرایانه و پسانوگرایانه، فایده‌گرایی کیفری با توجه به این دیدگاه‌ها، در پی استنباط، ترسیم و آرایه‌ی اصولی برای «کیفرشناسی فایده‌گر» است.

گفتار نخست

مردم ریگ تاریخی فایده‌گرایی

مکتب فایده‌گرایی پیشاپیش به صورت ابتدایی و در شکل آغازین خود در آثار اپیکور^۴ فیلسوف یونانی که از سال ۳۰۶ تا ۲۷۰ پیش از میلاد در آتن به تدریس اشتغال داشته مورد بحث قرار گرفته بود و با فلسفه‌ی جدید انگلیس به برکت افکار جان استوارت میل،^۵ چارلز داروین،^۶ و هربرت اسپنسر^۷ به بزرگترین پیشرفت‌های خود دست یافت.^۸ و حقوق، علوم جنایی و فیلسوفان کیفری را نیز از تأثیر خود بی‌نصیب نگذاشت. بنابراین در این نوشتار شایسته است، نخست این افکار مرور شوند.

الف- از آستین فیلسوفان عصر روشنگری

در فلسفه حقوق کیفری عصر روشنگری بی‌گمان فیلسوفانی چون سزار بکاریای^۹ ایتالیایی و ژرمی بنتام^{۱۰} انگلیسی در این زمینه پیشگام بوده‌اند و کیفرهای خشن و بی‌رحمانه دوران قبل از خود را به شدت مورد انتقاد قرار دادند. آنان در آثار خود از سودمندی کیفر سخن راندند و در این زمینه به ویژه بنتام را بنیانگذار مکتب فایده‌گرایی کیفری می‌دانند.

۱- فایده‌گرایی کیفری در ادبیات بکاریا

بکاریا بر این اندیشه‌ی اساسی تأکید داشت، که کیفر باید فایده‌ای در برداشته باشد. در مورد مجازات غالباً از

«ضرورت» یا «سودمندی همگانی» سخن می‌راند و به درستی بر این باور بود که «تنها هدف مجازات‌ها بازداشتن بزهکار از صدمه رسانیدن به جامعه در آینده و بازگرداندن سایر شهروندان از رفتن به راه تبهکاری است». به دیگر سخن، هدف کیفر بیشتر باید پیشگیری باشد تا تنبیه، کیفرشناسی نقشی انصراف آور (بازدارنده) و پیشگیرانه، یعنی پیشگیری خاص و پیشگیری عام را ایفا می‌کند؛ زیرا بکاریا این دو مفهوم را کاملاً از هم تفکیک می‌کند و به طور منفی، بر بازدارندگی و ارعاب، و نه بر اصلاح بزهکار از طریق مجازات، تکیه می‌کند؛ به طور مثبت، این بازدارندگی برای بکاریا از طریق مجازاتی که رنج حاصل از آن «بیشتر از سودی باشد که از ارتکاب بزه عاید بزهکار شده است» جامه‌ی عمل به خود می‌پوشد. بنابراین بکاریا فرد را به محاسبه‌ی منافع خود پیش از ارتکاب بزه دعوت می‌کند؛ یعنی به محض اینکه فرد پی برد که سنگینی مجازات بیشتر از فایده‌ای است که از جرم نصیبش خواهد شد وارد عمل نشود.^{۱۱}

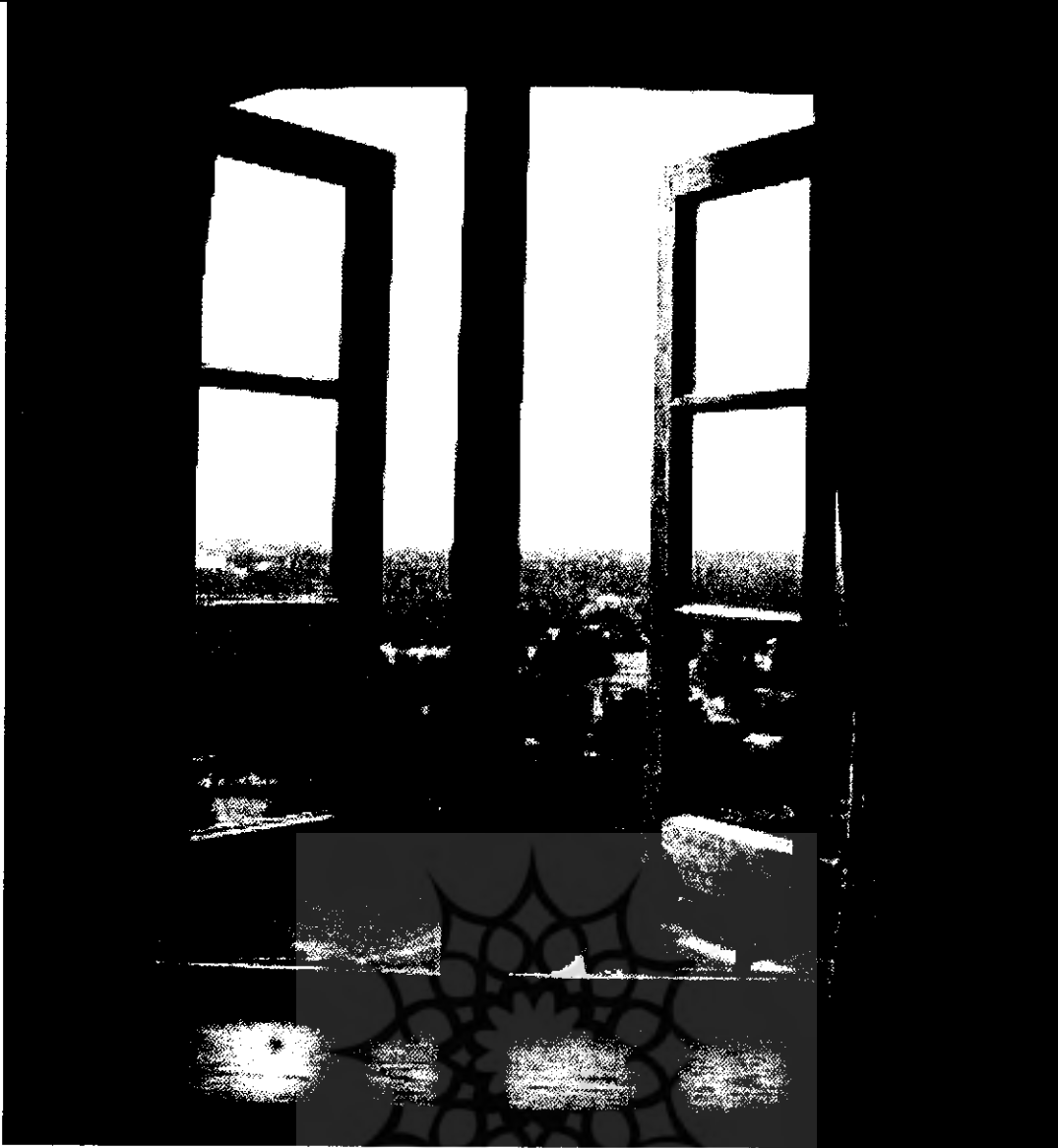
بکاریا ضمن ابزار انتقادهای بلند خود بر نظام کیفری آن روزگار، گفته‌هایش را که در واقع فریادی بر سر آباء کلیسا و نابخردان و ستمکاران زمانه بود، به چاپ می‌رساند و با انتقاد از شکنجه، و کیفرهای بی‌فایده، ظالمانه و وحشیانه می‌گوید «کیفر باید به شیوه‌ای به کار بسته شود که با رعایت تناسب مؤثرترین و پایدارترین اثر را در ذهن اشخاص و کمترین درد را بر جسم بزهکار برجا گذارد.»^{۱۲} از نظر بکاریا «همه افکار مربوط به کفاره و انتقام الهی باید محدود به فایده اجتماعی کارکرد کیفرها باشد»^{۱۳} چندان که برخی وی را از نخستین الغا گرایان می‌دانند.

۲- سخنانی از پدر فایده‌گرایی کیفری: ژرمی بنتام

در برخی دانشنامه‌های علوم کیفری و در زیر عنوان «فایده‌گرایی کیفری» به طور معمول نام بنتام را در کنار «دون گاتانو فیلائزیری»^{۱۴} ایتالیایی و «دون مانوئل لادیزابل»^{۱۵} اسپانیایی آورده‌اند.^{۱۶} با این همه؛ نام ژرمی بنتام ماندگارتر و بلند آوازه‌تر از دو متفکر دیگر باقی مانده است.^{۱۷} گفته‌اند که بنتام طولانی زیست (۱۷۴۸-۱۸۳۲)، تاروسیه سفر کرد و بسیار نوشت.^{۱۸}

در میان نوشته‌های کیفری وی این نکته به درستی برجسته می‌نماید که «نقش کیفر فایده‌گرایانه - و نه اخلاقی - تبیین شده است. از دید وی کیفر باید هم‌زمان به پیشگیری منجر شود. با این همه وی به این نقش کیفر جنبه‌ی حسابگرانه، و اقتصادی بیشتری نسبت به بکاریا می‌دهد و می‌گوید «باید رنج کیفر از میزان سود بزه افزون باشد.»^{۱۹}

وی در واقع پرچمدار فایده‌گرایی اجتماعی محض است و مخالفت قاطع خود را با وحشیگری‌های بی‌فایده در اعمال کیفرها اعلام می‌کند.^{۲۰} گویا تحت تأثیر همین نویسنده‌های بزرگ بود که در نیمه‌ی نخست قرن نوزدهم «رسی» و «ارتولان» می‌گفتند «نه بیش از آنچه که سودمند



می‌نماید و نه فراتر از آنچه که عادلانه به نظر می‌رسد.^{۲۱}

ب- فراز و فرودهای فایده‌گرایی کیفری غرب از امپراتوری ناپلئون تا دیکتاتوری هیتلر

پس از تدوین قانون نامه‌های تحقیقات جنایی و کیفری ناپلئون در سال‌های ۱۸۰۸ و ۱۸۱۰ که خود کم و بیش به ستون‌های فلسفه فایده‌گرایی کیفری تکیه داشتند. تفکر فایده‌گرایی کیفری به طور عام و کیفرشناسی فایده‌گرا به طور خاص، و صرف نظر از تأیید بخشی آن، فراز و فرودهایی را پشت سر نهاد. چندان که در نیمه نخست قرن ۱۹، مکتب نئو کلاسیک حقوق کیفری که سران آن رُسی، ارتولان، گیزو و میتر مایر بودند، بطور مستقیم، تفکر فایده‌گرایی را سرلوحه و محور کار خود قرار دادند. در کنار حقوقدانان، در قرن ۱۹، فیلسوفان نیز به تفکر فایده‌گرایی، غنای عظیمی بخشیدند. کسانی چون هربرت اسپنسر انگلیسی در پی آن بود که نظریه اصالت سودجویی عقلی خود را، در مقابل مسلک اصالت سودجویی تجربی بنام قرار دهد. در نظر اسپنسر حقوق نیز بر سودجویی استوار بود، ولی نه در معنای دانی آن که لذت جویی است، بلکه در معنای زیست شناختی آن، یعنی منطبق ساختن خود با سایرین، با محیط، با شرایط زندگی از طریق توارث. حقوق، به درستی تبیین این تعادل مبتنی بر زیست شناسی است، که به تدریج از طریق تحول حاصل می‌شود.

این نظام، در مقایسه با نظام مورد نظر بنتام - که در نظر داشت احساس و کمال مطلوب عدالت را به یک محاسبه نفع شخصی تقلیل دهد- بی‌گمان نمایانگر پیشرفت است. هدف نظام مورد نظر اسپنسر به طور خلاصه، اجرای روش علوم طبیعی در مورد علوم اخلاقی حقوقی بود.^{۲۲}

در میانه‌ی قرن نوزدهم بازهم پیام نویسندگانی چون شاهزاده «آلکسیدو توکویل» در آثارش نظیر: «رژیم قدیمی»^{۲۳}، «پیرامون دموکراسی در آمریکا» و نیز در گزارشی که در بازگشت از سفر به آمریکا و به دستور لویی فیلیپ پادشاه فرانسه به همراه «گوستا و دو بومن» از زندان‌های آمریکا تهیه کرده بودند، نیز در واقع به صورتی غیر صریح ولی محسوس روی نهادن به سوی فایده‌گرایی کیفری به ویژه در اجرای مجازات‌ها بودند آنان به خوبی نقل می‌کنند که جمهوری خواهان آمریکایی برخلاف سلطنت طلبان اروپایی، «کیفرهای بدنی و مجازات اعدام را فرزندان نامشروع حکومت‌های سلطنتی» اعلام کرده و خواهان آن بودند که کیفرهای وحشیانه عصر بربریت و دوران استعمار که در یک جامعه تباه زده شکل گرفته بودند از قوانینی ایالتی و فدرال حذف شوند.^{۲۴} به همین علت است که در تاریخ می‌بینیم که آمریکائیان از فردای روز استقلال از انگلستان (۱۷۷۶) یکسره به سراغ نظام سلب آزادی رفتند و رژیم‌های زندانبانی «بورنی» یا همان حبس دسته جمعی

و «پنسیلوانیایی» یا همان نظام انفرادی محصول چنین دیدگاه‌هایی است که از جمع نارسایی‌ها و معایب این دو، «رژیم ترقی‌تدریجی» یا همان ایرلندی در میانه قرن ۱۹ متولد یافت. در واقع در این دوران، ابداع رژیم ترقی‌تدریجی محصول تفکری فایده‌گرایانه در اجرای کیفر سلب آزادی بود.^{۲۵} در این میان باز هم نویسندگانی چون رُسی و آرنولد بونویل دومارسنگی نیز باید نام برد. رسی که به فواید فردی و اجتماعی اجرای مجازات‌ها توجه داشت. «سلب آزادی را عالی‌ترین کیفر در جوامع متمدن می‌دانست»

آرنولد بونویل دومارسنگی نیز که از قاضیان خلاق میانه قرن نوزدهم بود، «در میان پیشنهادهای خود به آزادی مقدماتی یا زودرس» به لحاظ حسن رفتار و بازداشت اضافی، در صورت مشاهده بدرفتاری زندانی اشاره می‌کند و منظور وی در واقع اعطای اختیار به اداره‌ی زندان‌ها در جهت فایده‌مند سازی شیوه اجرای کیفر سلب آزادی بود.

در این میان، در نزد حقوقدانان دیگری چون میتر مایر آلمانی، فرانسواگیز و شارل لوکاس فرانسوی و بحث‌های سنگین و پرحرارتی در مورد شیوه‌های اجرای مجازات‌ها در نیمه‌ی قرن نوزدهم در گرفته که همه‌ی آنها خود به فایده‌مندسازی یا نافیاده‌مندی شیوه‌های اجرای کیفرها مربوط می‌شد.^{۲۶} در اواخر قرن نوزده سناتور برانژه نهاد تعلیق مجازات را وارد قوانین فرانسوی ساخت که تأسیس این نهاد را نیز باید مساوی با گشودن بابی به سوی کیفرشناسی فایده‌گرا دانست.^{۲۷} با این همه؛ در اواخر قرن نوزده با آنکه مکتب پوزیتویسم حقوق کیفری توسط سه تفنگدار ایتالیایی حقوق جزا یعنی «دکتر سزارلمبروزو»، «استاد انریکوفری» و «قاضی را فائولوگارفالو» بنیان نهاده شده بود و اغلب بحث‌های کیفری ربع آخر قرن نوزده به آموزه‌های آنان اختصاص داشت، با این همه؛ در آثار بازمانده از آنان و آموزه‌هایشان چندان دیدگاه‌های کیفرشناختی فایده‌گرا به چشم نمی‌خورد. وانگهی از اواخر قرن نوزدهم و تأسیس اتحادیه‌ی بین‌المللی حقوق کیفری در ۱۸۸۹ توسط فن لیست آلمانی، آدولف پرینس بلژیکی و وان هامل هلندی بود که جانی تازه به کیفرشناسی فایده‌گرا بخشیده شد.^{۲۸}

در پرتو آموزه‌های برون آمده از اعضای این اتحادیه نخستین مکتب دفاع اجتماعی آدولف پرینس بر خاکسترهای به جای مانده از آموزه‌وران جبرگرای پوزیتویسم سر برآورد و نخستین نظریه‌های رسمی جنبش‌های دفاع اجتماعی در آثار فون لیست آلمانی پدیدار گشت. البته این به آن معنا نبود که آموزه‌وران پوزیتویسم در فایده‌بخشی به مجازات‌ها و شیوه‌های اجرای آنها سهمی نداشته باشند. چندانکه آنریکوفری بر جسته‌ترین عضو این مکتب توانست بزهرکار را عامل مهم عدالت کیفری و زندان انفرادی را «بزرگترین اشتباه سده‌ی نوزدهم» اعلام نماید.^{۲۹}

ولی به نظر می‌رسد که نتوان به طور مستقیم پوزیتویسم‌ها را کیفرشناس فایده‌گرا دانست. بلکه برعکس این جنبش‌های نخستین، دومین و سومین دفاع اجتماعی

بود که مفاهیم علمی و عملی فایده‌گرایی در اجرای کیفرهای مدرن را با خود به همراه داشت. چندان که در همان روزهای آغازین تأسیس اتحادیه‌ی بین‌المللی حقوق کیفری، بنیان‌گذاران آن با توجه به بی‌ثمر بودن اجرای برخی کیفرها اعلام داشته‌اند که «کیفر تنها وسیله‌ی مبارزه با جرم نیست».^{۳۰}

ادامه دارد

پی‌نوشتها

۱. Ihering
۲. نک: دکتر علی حسین نجفی ابرنآبادی، از حقوق جنایی تا علوم جنایی، در مجموعه مقالات علوم جنایی، (نکوداشت نامه استاد آشوری)، انتشارات سمت، چ نخست، ۱۳۸۳، ص ۹.
- ۳ - به منظور مطالعه‌ی بیشتر در این زمینه نک سایت زیر: http://www.prisonseks.com/scans/instead_of_prisons/nine_perspectives
- ۴ - فیلسوف یونانی (۳۴۰-۲۷۰ پ.م)
- ۵ - فیلسوف انگلیسی (۱۸۰۶-۱۸۷۳)
- ۶ - فقیه و فیلسوف انگلیسی (۱۸۰۹-۱۸۸۲)
- ۷ - فیلسوف و جامعه‌شناس انگلیسی (۱۸۲۰-۱۹۰۳)
- ۸ - به منظور اطلاع بیشتر در این زمینه نک: ژرژ دل - وکیو، فلسفه حقوق، ترجمه دکتر جواد واحدی، نشر میزان چاپ نخست، ۱۳۸۰، ص ۲۲۸ و پس از آن.
- ۹ - فیلسوف اقتصاددان و حقوقدان ایتالیایی، (۱۷۹۲-۱۷۳۸) به منظور اطلاع بیشتر در این زمینه در مورد آثار و افکار وی نک: سزار بکاریا، رساله‌ی جرایم و مجازات‌ها، ترجمه دکتر محمدعلی اردبیلی، دانشگاه شهید بهشتی، چ دوم، ۱۳۷۴.
- ۱۰ - فیلسوف و حقوقدان انگلیسی (۱۸۲۲-۱۷۴۸)، به منظور کسب اطلاع از آثار و افکار وی نک: ژنه مارتینز، نک: ژان، تاریخ حقوق کیفری در اروپا، ترجمه محمدرضا گودرزی بروجردی، مجد، چ نخست، ۱۳۸۲، ص ۱۲۴ و پس از آن. همچنین ر.ک: پرادل، تاریخ اندیشه‌های کیفری، ترجمه دکتر علی حسین نجفی ابرنآبادی، سمت، چاپ نخست، ۱۳۸۱، ص ۶۰ و پس از آن.
- ۱۱ - نک: همان، ص ۴۵.
- ۱۲ - رساله‌ی جرایم و مجازات‌ها، ص ۲۶.
- ۱۳ - تاریخ حقوق کیفری در اروپا، صص ۱۰۷-۱۰۶.
۱۴. ۱۷۵۲ (Don Gaetano Filangeri-۸۸).
۱۵. ۱۷۳۹ (Manuel de Lardizabul-۱۸۲۰)
۱۶. Dict ionnaire Sciences Criminelle, sous la dir de Gerard Lopez et Stamations Tzitzis, Dalloz, ۲۰۰۴, p ۹۴۹.
- ۱۷ - تاریخ اندیشه‌های کیفری، صص ۶۰.
- ۱۸ - همان، ص ۶۲.
- ۱۹ - تاریخ حقوق کیفری در اروپا، صص ۱۲۵.
- ۲۰ - تاریخ حقوق کیفری در اروپا، ص ۱۲۵.
- ۲۱ - برای اطلاع بیشتر در این زمینه نک: تاریخ اندیشه‌های کیفری، همان، صص ۶۹-۶۸.
- ۲۲ - فلسفه‌ی حقوق، همان، صص ۲۳۱-۲۳۰.
- ۲۳ - Ancien regime، این واژه ساخته دست نویسندگان پس از انقلاب بزرگ ۱۷۸۹ فرانسه بود، تا بدینوسیله نظام سیاسی - حقوقی پس از انقلاب را از نظام سیاسی - حقوقی پیش آن، جدا سازند.
۲۴. نورال موریس و داوید جی روتمن، تاریخچه زندان (آکسفورد) ترجمه محمدرضا گودرزی بروجردی و دیگران، نشر میزان، چ نخست، ۱۳۸۴، ص ۲۱۴ و پس از آن.
۲۵. نک: تاریخچه زندان (آکسفورد)، صص ۲۴۴ و پس از آن.
۲۶. نک: تاریخ اندیشه‌های کیفری، صص ۷۵-۶۸.
۲۷. نک: تاریخ حقوق کیفری در اروپا، ص ۲۲۳.
۲۸. نک همان، ص ۱۷۷.
۲۹. مارک آنیل، دفاع اجتماعی، ترجمه دکتر محمد آشوری و دکتر علیحسین نجفی ابرنآبادی، دانشگاه تهران، چ سوم، ۱۳۷۵، ص ۳۱
۳۰. همان ص ۳۲.